

مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در رمان «اهل غرق» منیرو روانی‌پور با تکیه بر سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز

سعیده خجسته‌پور^۱، محمدعلی گذشتی^{۱*}، عبدالحسین فرزاد^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

اسفند ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۲، صص ۶۳-۴۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6669

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: «سبک‌شناسی فمینیستی» یکی از رویکردهای فرهنگی-اجتماعی علم سبک‌شناسی است که «سارا میلز»، سبک‌شناس و محقق این حوزه، مدلی در این زمینه مطرح میکند و این روش را بهترین شیوه برای بررسی و تحلیل موضوع فمینیسم و اثربخشی آن در متون ادبی با استفاده از ابعاد و جنبه‌های زبان‌شناسی آنها میدانند. در نوشتار پیش‌رو با بهره‌گیری از این الگو، به این پرسشها پاسخ داده میشود که زنانه‌نویسی چیست و مؤلفه‌های زنانه‌نویسی کدامند و در رمان موردبخت چگونه نمود پیدا میکنند. به اعتقاد میلز، نویسندگان زن، مؤلفه‌های گوناگون زبانی را در ساختار و محتوای آثارشان با تأثیرپذیری از ویژگیهای زنانه، عواطف و دیدگاههای جنسیتی خود استفاده میکنند و از اینرو در آثارشان باید سه سطح واژگان، جملات و گفتمان تحلیل و بررسی شود. بنابراین با این نگاه و با بهره‌گیری از الگوی موردنظر، رمان «اهل غرق» منیرو روانی‌پور انتخاب و بررسی شد.

روش مطالعه: این پژوهش در حوزه سبک‌شناسی عملی و با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل‌های مبتنی بر آن بر پایه مؤلفه‌های الگوی سارا میلز و صاحب‌نظران این حوزه انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش با نمود ویژگیهای زنانه‌نویسی پرسامد در رمان مذکور عبارتند از: در سطح واژگان کاربرد واژه‌های متعلق به حوزه زنان، کاربرد رنگ‌واژه‌ها، تعدد شخصیت‌های زن؛ در سطح جملات کاربرد فراوان جمله‌های خبری، توصیفی، کوتاه، کاربرد جمله‌های پرسشی بشکل حدیث نفس، استفاده از نشانه‌فرازبانی سه نقطه؛ در سطح گفتمانی، زاویه دید سوم‌شخص بیرونی، متن روایی و راوی نویسنده، زن بودن یکی از شخصیت‌های اصلی، لحن مودبانه با بهره‌گیری از لهجه بومی محل رخداد داستان، درونمایه با بهره‌گیری از اندیشه‌های فمینیستی، زمان رخدادها دوره معاصر پهلوی دوم، مکان وقوع داستان آبادی «جفره» در جنوب ایران و اطرافش.

نتیجه‌گیری: رمان موردبخت این پژوهش از الگوی مطرح سارا میلز پیروی کرده است و اکثر مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در متن آن یافت شدند.

تاریخ دریافت: ۰۱ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۳ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۱۹ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۰۴ خرداد ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

زنانه‌نویسی، سبک‌شناسی فمینیستی، فمینیسم، سارا میلز، رمان اهل غرق، منیرو روانی‌پور.

* نویسنده مسئول:

Moh.gozashti@iauctb.ac.ir

۷۷۶۳۷۰۶۰ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Components of women writing in the novel "Ahl Gharq" by Moniro Ravanipour Based on Sara Mills feminist stylistics

S. Khojastehpour¹, M.A. Gozashti*¹, A. Farzad²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 20 February 2022

Reviewed: 23 March 2022

Revised: 08 April 2022

Accepted: 25 May 2022

KEYWORDS

Feminine Writing,
Feminist Stylistics, Feminism,
Sara Mills, Ahl Gharq Novel,
Moniro Ravanipour.

*Corresponding Author

✉ Moh.gozashti@iauctb.ac.ir

☎ (+98 21) 177637060

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: "Feminist stylistics" is one of the socio-cultural approaches to stylistics that "Sara Mills", a stylist and researcher in this field, proposes a model in this field and this method is the best way to study and analyze the issue of feminism and its effectiveness in literary texts. Knows the use of their linguistic dimensions and aspects. In the following article, using this model, these questions will be answered, what is feminine Writing and what are the components of feminine Writing and how it is manifested in the novel in question. According to Mills, women writers use various linguistic components in the structure and content of their works under the influence of their feminine characteristics, emotions and gender views, and therefore three levels of words, sentences and discourse should be analyzed in their works. Therefore, with this view and using the desired model, the novel "Ahl Gharq" by Moniro Ravanipour was selected and studied.

METHODOLOGY: This research was conducted in the field of practical stylistics with descriptive-analytical method and analysis based on the components of the model of Sara Mills and experts in this field.

FINDINGS: Findings of the research with the expression of the characteristics of high-frequency feminism in the novel are: at the level of vocabulary, the use of words belonging to the field of women, the use of color words, the multiplicity of female characters; At the level of sentences, frequent use of news, descriptive, short sentences, use of question sentences in the form of Soliloquy, the use of a three-point metalanguage sign; At the discourse level, the third-person perspective, the narrative text and the author's narrator, one of the main characters of the woman, the polite tone using the native dialect of the place of the story, the theme using feminist ideas, the time of contemporary events in the second side, the place Occurrence of Jafreh settlement story in southern Iran and its surroundings.

CONCLUSION: The novel discussed in this study has followed the model of Sara Mills and most of the components of feminism were found in its text.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6669](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6669)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 3	 0

مقدمه

در طول تاریخ زندگی بشر، نوشتن داستان یا سرودن شعر، خاص مردان نبوده است؛ زنان نیز در این میان، همواره در پی آن بودند که احساسات و نظرات خود را در قالب داستان و شعر بیان کنند، به همین دلیل پس از گذراندن دورانی سخت که از نوشتن و سرودن منع میشدند، با تلاش فراوان و با ترفندهایی از قبیل اختیار کردن نام مستعار یا مذکر در آغاز بصورت پنهانی و بعد آشکارا، توانستند این موانع را بگذرانند و بر مشکلات پیروز شوند و آثاری خلق کنند که در برهه‌ای از زمان، گوی سبقت را از مردان نویسنده هم ربوده و شاهکارهای ادبیات جهان را خلق کردند. در این میدان، زنان ایرانی نیز به چنین نتیجه‌ای دست یافتند که نام آنها در ادبیات ایران ثبت شده است و همچنان پیشرو هستند. در حوزه نویسندگی، منیرو روانی‌پور یکی از نویسندگان مطرح زن در ادبیات داستانی معاصر ایران است که از او آثار متعددی منتشر شده است. اولین رمان او با نام «اهل غرق» در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید و بعنوان یکی از رمانهای مطرح معاصر مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفت که درباره آن مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی با موضوعات مختلف نوشته شده است. بنابراین از آنجاکه زنان نیمی از جامعه بشری را تشکیل میدهند، نیاز به سبک‌سنجی آثار و برجسته‌سازی نشانه‌های سبک آنان احساس میشود و از زمان مطرح شدن تفاوت‌های زبانی زن و مرد، پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه زبان و ادبیات زنان و سبک نویسندگی آنان انجام گرفته است. در این راستا یکی از موضوعاتی که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند، نوشتار و گفتار زنانه است که با عنوان زنانه‌نویسی یا سبک زنانه مطرح میشود. زنانه‌نویسی از جمله رویکردهای سبک‌شناسی فمینیستی است که پژوهشگران و سبک‌شناسان در دهه‌های اخیر بیشتر به آن توجه کرده‌اند و با این شیوه متون زنانه را تحلیل و بررسی میکنند. از جمله پژوهشگران این حوزه بعنوان نخستین بانوی محقق سبک‌شناسی فمینیستی، «سارا میلز»، سبک‌شناس و استاد دانشگاه شفیلد هالام انگلیس است که سالها در این شاخه از سبک‌شناسی تحقیق و فعالیت دارد. او معتقد است تألیفات زنانه دارای مؤلفه‌هایی است که آنها را از تألیفات مردان متمایز میکند و در این زمینه مدلی مطرح میکند و آن را بهترین شیوه برای بررسی و تحلیل موضوع فمینیسم و اثربخشی آن در متون ادبی با استفاده از ابعاد و جنبه‌های زبان‌شناسی آنها میدانند. بنابراین در نوشتار پیش‌رو با بهره‌گیری از این الگو، به این پرسشها پاسخ داده میشود که زنانه‌نویسی چیست و مؤلفه‌های زنانه‌نویسی کدامند و در رمان مورد بحث چگونه نمود پیدا میکنند. به اعتقاد میلز نویسندگان زن، مؤلفه‌های گوناگون زبانی را در ساختار و محتوای آثارشان با تأثیرپذیری از ویژگیهای زنانه، عواطف و دیدگاههای جنسیتی خود استفاده میکنند و از اینرو در آثارشان باید سه سطح واژگان، جملات و گفتمان تحلیل و بررسی شود. لذا با این نگاه و با بهره‌گیری از الگوی مورد نظر، رمان «اهل غرق» منیرو روانی‌پور بعنوان یکی از متون ادبی قابل بحث و شاخص که توسط یکی از زنان نویسنده معاصر ایران نوشته شده، انتخاب و بررسی شد. این پژوهش در حوزه سبک‌شناسی عملی و با روش توصیفی-تحلیلی بوده و تحلیلهای مبتنی بر آن بر پایه مؤلفه‌های الگوی سارا میلز و صاحب‌نظران این حوزه انجام گرفت.

ضرورت و سابقه پژوهش

درباره رمان «اهل غرق» مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی با موضوعات و نگاه‌های متفاوت نوشته شده است؛ از جمله مقاله «تحلیل سبک‌شناختی رمان اهل غرق منیرو روانی‌پور» نوشته خواجه‌سریوی و حسن‌پور آلاشتی (۱۳۹۸) که در آن، مؤلفه‌های سبکی اهل غرق در سه حوزه روایت، زبان و بلاغت، همچنین شاخصه‌های سبکی، روایی، زبانی و بلاغی (ادبی) بررسی و تحلیل شده است تا به سبک عمومی اثر دست یابد. همچنین مقاله «تحلیل ساختاری رمان اهل غرق»، نوشته مال‌میر ناصر بافقی (۱۳۹۳) که این رمان را براساس نظریه ساختاری تودوروف بررسی کرده

تا ضمن استخراج پی‌رفتها و گزاره‌های داستان، به پیوند طرح رمان با ژرفساخت آن دست یابد و نتیجه گرفته که رمان اهل غرق به شیوه رئالیسم جادویی به نگارش درآمده، پیکره ساختاری این رمان از دو روایت کلی تشکیل شده است؛ روایت جادویی (با ۴۳ پی‌رفت) و روایت واقع‌گرایی (با ۹۲ پی‌رفت) که به شیوه زنجیره‌ای و درونه‌گیری باهم ترکیب شده‌اند. بنابراین مجموع کوشش محققان ادبی برای معرفی، تحلیل و ارزیابی آثار منیرو روانی‌پور علاوه بر پایاننامه‌ها و مقاله‌های علمی پژوهشی و تخصصی، کتابهایی است که به تحقیق در حوزه ادبیات داستانی پرداخته‌اند که دامنه پژوهش درباره این نویسنده را بسط می‌دهد. در این راستا میرعابدینی در کتاب «صد سال داستان‌نویسی ایران» دو شاخصه مهم را برای داستانهای روانی‌پور برمی‌شمارد و معتقد است او در این داستانها از احساسات زنانه سخن می‌گوید و از درد مشترک زنان پرده برمی‌دارد (ر.ک: میرعابدینی، ۱۳۸۷: ۱۱۴۲-۱۱۳۴). همچنین تسلیمی در کتاب «گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران» معتقد است روانی‌پور با اشاره به افسانه‌های پری‌بار می‌خواهد هم جای خالی اسطوره را در داستان پر کند، هم رنگی بومی و محلی به آنها ببخشد. (ر.ک: تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). میمنت میرصادقی نیز در کتاب «رمانهای معاصر فارسی» به آوردن پیرنگ، شرح و تفسیر مختصری از رمان اهل غرق بسنده کرده است (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۸۵: ۳۱-۱۴). همچنین شمیسا در کتاب «مکتبهای ادبی» ضمن ارائه خلاصه‌ای از داستان، به مؤلفه‌های رئالیسم جادویی رمان اهل غرق اشاره کرده است (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۵۰). بنابراین با بررسی آثار فوق، این نوشتار قصد دارد با نگاهی جدید به رمان «اهل غرق»، آن را از منظر سبک‌شناسی فمینیستی با تکیه بر مدل سارا میلز، سبک‌شناس این حوزه، در سه سطح واژگان، جملات و گفتمان بررسی کند و مؤلفه‌های زنانه‌نویسی را در سه سطح مذکور این رمان بیابد.

بحث و بررسی

سبک و سبک‌شناسی فمینیستی

در کتاب «مقدمه الشعر و الشعرای ابن قتیبه» واژه سبک به معنی طرز، شیوه، سیاق و طریقه بکار رفته است (ر.ک: ابن قتیبه، ۹۱-۹۲). همچنین کنت دو بوفن، طبیعی‌دان و نویسنده قرن هجدهم فرانسوی، گفته است: «سبک خود شخص است. ... مراد بوفن این است که سبک هر اثر، دقیقاً مبین شخصیت نویسنده آن است و شیوه نگارش او را به جهان و پدیده‌ها فاش میکند» (به نقل از شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۸). درباره علم سبک‌شناسی و ظهور آن نیز، محمدتقی بهار مینویسد: «یکی از فنون ادبی فارسی که متأسفانه خاورشناسان و ایرانیان تا دیروز از آن بیخبر بودند نیز در قرن اخیر مطمح نظر ادبا قرار گرفت. این فن تا این اواخر بصورت علوم درسی بیرون نیامده بود و فقط سینه‌به‌سینه و گاهی در مقدمه بعضی تذکره‌ها و یا در محافل ادبی عنوان میشد، و آن «سبک‌شناسی» است» (بهار، ۱۳۲۶، ج ۱، مقدمه مصنف). همچنین درباره جایگاه استفاده از این دانش گفته شده: «سبک‌شناسی برای بررسی همه انواع متون کاربرد دارد، اما بررسی متون ادبی یکی از مهمترین زمینه‌های سبک‌شناسی است» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۰). پس میتوان گفت «سبک‌شناسی یک دانش میان‌رشته‌ای است و زبان‌شناسی و مطالعات ادبی را با هم تلفیق میکند. همچنین از دیگر نظامها، مانند فلسفه، نظریه فرهنگی، جامعه‌شناسی، تاریخ، و روان‌شناسی نیز دیدگاهها و ابزارهایی را وام می‌گیرد تا به نحوی راه ورود آنها را به تفسیر و تحلیل متن ادبی بگشاید» (فتوحی،

۱۳۹۰: ۱۲۲). در همین راستا، سبک‌شناسی فمینیستی را نیز دو بانوی سبک‌شناس «دیردره برتن»^۱ و «سارا میلز»^۲ معرفی کرده‌اند. سارا میلز^۳ در مقدمه کتاب «سبک‌شناسی فمینیستی»^۴، اصطلاح سبک‌شناسی فمینیستی را «فشرده‌ترین تعبیر برای بررسی و تحلیل موضوع فمینیسم با استفاده از روشهای زبان‌شناسی و تجزیه و تحلیل زبانی در متون دانسته است. طبق نظر خانم میلز، دغدغه سبک‌شناسی فمینیستی به مسائلی مانند توصیف تبعیض جنسی، کلیشه‌های سنتی برای نقش جنسی، بحث از کاهش ارزش فرد بر مبنای جنسیتش، تبعیض علیه زنان و فروداشت آنان در متون محدود نمی‌شود؛ بلکه این موضوعات تا آنجا گسترش یافته که عناصر و ساختارهای ادبی مثل استعاره، تصویر، زاویه دید، با فرایندهای فعلی لازم و متعددی را در پیوند با مسائل جنسیت بررسی میکند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۸۵). از همین روی، او در سه فصل از چهار فصل این کتاب به تجزیه و تحلیل در سطوح واژگان، جمله‌ها و گفتمان یک متن می‌پردازد. هر فصل، شامل یک بخش تفسیری کوتاه است که نشان می‌دهد چگونه موضوع توسط نظریه‌پردازان ادبی و زبانی مورد بحث قرار گرفته است و سپس به ارائه چارچوب نظری یا انتقادی فمینیستی می‌پردازد. در این راستا میلز اعتقاد دارد «برای هر متن ممکن است یک تحلیل کامل از بازنماییهای مربوط به روابط جنسیتی صورت پذیرد که آن را بصورت خلاصه موضوع و مدل نظری با طرح سؤالهایی ارائه داده است» (میلز، ۲۰۰۵: ۱۵۸-۱۶۱). همچنین طبق نظر میلز، «هدف سبک‌شناسی فمینیستی فراهم کردن ابزاری تحلیلی و سنجشگرانه برای خواننده در جهت تشخیص گرایشهای جنسیتی در متنها و ایستادگی در برابر آنهاست» (وردانک، ۱۳۸۹: ۱۷۰). بنابراین سبک‌شناسی فمینیستی از جمله رویکردهای فرهنگی-اجتماعی است که به مسائل فوق توجه دارد و در متون به آنها می‌پردازد. در مجموع با این دید و در برداشتی کلی میتوان گفت «سبک‌شناسی فمینیستی به شیوه‌ای از تحلیل گفته میشود که در پی آن است با نگاه به سطوح واژگان، جمله‌ها و گفتمان متن، روشی را برای توصیف و تبیین سرشت نوشتار زنان و عمل نگارش زنانه بیابد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

سبک‌شناسی زنانه و زنانه‌نویسی

سبک‌شناسی زنانه که این روزها خود به یک شاخه مهم سبک‌شناسی بدل شده و چارچوب نظریش را از نظریه ادبی فمینیستی اقتباس میکند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)، از مباحث موردتوجه صاحب‌نظران و پژوهشگران این حوزه است. زنانه‌نویسی نیز سبکی است که تلاش میکند محتوایی زنانه و متفاوت از مردان تولید و ادبیات را جنیستی کند؛ عبارتی زنانه‌نویسی «نوشتن از مسائل، مشکلات و حالات و روحیات خاص زنان بمنظور شناساندن شعور و حساسیتهای جنس زن است. مسائل خاص زنان عبارت است از وضعیتها و تجربه‌هایی که از لحاظ روحی و فیزیولوژیک، تنها در زنان است و مردان فاقد آن مسائلند و بلحاظ فقدان تجربه زیستی در نگارش آن به پای زنان

1. Deirdre Burton

2. Sara Mills

۳. سارا میلز، زاده سال ۱۹۵۴، سبک‌شناس، زبان‌شناس، نویسنده و استاد پژوهش در دانشکده مطالعات فرهنگی دانشگاه شفیلد هالام انگلستان^۳ است و در حوزه‌های «فمینیسم و زبان‌شناسی» و «فمینیسم و نظریه پسااستعماری» مطالعات و پژوهش میکند. وی در زمینه نظریه زبان‌شناسی، ادبیات فمینیستی و نظریه گفتمان فمینیستی پسااستعماری نیز آثاری را منتشر کرده که اکثر آنها به زبانهای گوناگون ترجمه شده‌اند که دو کتاب گفتمان (۱۹۹۷) و میشل فوکو (۲۰۰۲) او در ایران نیز به فارسی ترجمه شده است. کتاب «سبک‌شناسی فمینیستی» میلز، اولین بار در سال ۱۹۹۵ در کتابخانه الکترونیک تیلور و فرانسیس منتشر شد، سپس در سال ۲۰۰۵ به چاپ رسید.

4. Feminist Stylistics

نمیرسند؛ مثلاً نگارش تجربه عواطف مادری، آغاز حاملگی، احساس مادر شدن و سقط جنین در شمار شخصیت‌ترین رازهای زنان است. تنها زنان از عهده نگارش لذت بارداری و کشیدن بار سنگین جنین و گذراندن اوقات با جنین برمی‌آیند. ... چنین مضامینی صرفاً به ادبیات زنانه تعلق دارد و داستانی را که حاوی چنین تجربه‌هایی باشد در شمار زنانه‌ترین داستانها می‌آورند. غلبه این موضوعات در نوشتار، سبک را زنانه می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۲). در کل، زنانه‌نویسی از ناگفته‌های زنان می‌گوید، از مسائلی که مردان، هرگز آنها را تجربه نکرده‌اند و یا قدرت درک و تحمل آنها را ندارند و زنان هستند که میتوانند این تجربیات مخصوص زنانه را با گفتار و نوشتار خود منعکس و بیان کنند و یا اگر تجربه کرده‌اند فقط بعنوان ناظر بوده‌اند و هیچ حسی از آنها نداشته‌اند و یا فقط نقل حادثه یا تجربه بوده است. همچنین با توجه به نکته‌بینی و دقت آنها در مسائل روزمره و دنیای اطرافشان بدلیل حس زنانه و بیولوژیک، زنان به نکاتی مانند طیف رنگها، جزئیات، استفاده از جملات کوتاه، ادامه ندادن بحث و مکث در سخنانشان... توجه دارند که مردان، زیاد به آنها توجه نمی‌کنند و یا اصلاً آنها را نمی‌بینند. پس با نگاهی به «زبان فارسی که جنسیت دستوری ندارد، بخشی از ویژگیهای گفتمان زنانه را میتوان در سازه‌های زبانی خاص و پُرسامدی در سخن زنان پیدا کرد. این عناصر شامل صورتهای آوایی کاربرد واژه‌ها، تعابیر و صورتهای نحوی خاص هستند که گرچه ذاتاً ربطی به جنسیت زن ندارند، آنها را بیشتر بکار می‌برند و بگونه‌ای برجسته «سخن زنانه» دارند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۸)؛ بنابراین میتوان گفت «زبان زنانه» وجود ندارد، اما نمیتوانیم منکر وجود «گفتار زنانه»، یا گونه کاربردی «زنانه» در زبان فارسی باشیم» (همان: ۴۰۰). در این راستا سارا میلز در کتاب «سبک‌شناسی فمینیستی» با اشاره به آثار زبان‌شناسان و محققان حوزه جامعه‌شناسی زبان که به تأثیر جنسیت بر نوشتار تأکید کرده‌اند و ضمن توجه به آرای فمینیستها، بر تحلیل زبانی آثار زنان بعنوان گونه کاربردی متمایز تأکید کرده است و روش تحلیل زبانی آثار داستانی زنان را ذکر کرده است (میلز، ۲۰۰۵: ۳۳-۳۵). او بر این باور است که نویسندگان زن، گزینه‌های متفاوت زبانی در ساختار و محتوای آثارشان درباره ویژگیهای زنانه، عواطف، احساسات و دیدگاههای زنان به کار می‌برند که در تحلیل زبانی باید در سه سطح تحلیل براساس واژگان، جملات و گفتمان انجام گیرد. (همان: ۶۶-۱۰۶) که در ادامه این نوشتار، مؤلفه‌های زنانه‌نویسی با توجه به الگوی سارا میلز و عقاید دیگر صاحب‌نظران این حوزه، انتخاب و در سه سطح تحلیل متن مشخص میشوند:

سطح واژگان: در این سطح، تعابیر زنانه در فارسی (صفات و دشنام، نفرین، تکیه‌کلامها) درمقابل تعابیر مردانه در فارسی (صفات و دشنام، تکیه‌کلامها) (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰)؛ واژه‌های متعلق به حوزه زنان (دل‌مشغولی زنان در حوزه آشپزی، خانه‌داری و ...)؛ تعدد شخصیت‌های زن؛ کاربرد رنگ‌واژه‌ها بررسی و مشخص میشوند.

سطح جملات: در این سطح، برخی کاربردهای نحوی پرسامد در گفتار زنان مانند جمله‌های ساده (توصیفی، کوتاه، خبری، احساسی، جزئی‌نگری)؛ حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع؛ وجه عاطفی (ر.ک: همان) و جمله‌های پرسشی بشکل حدیث نفس بررسی میشود.

سطح گفتمان: در این سطح، ویژگیهای برون‌متنی با عناصر مهم داستان بررسی میشود. به عقیده سارا میلز برای هر متن ممکن است یک تحلیل کامل از بازنماییهای مربوط به روابط جنسیتی صورت پذیرد که آن را بصورت خلاصه موضوع و مدل نظری با طرح پرسشهایی ارائه داده است. او در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی می‌گوید: در سطح تحلیل متن بمثابة گفتمان، باید به انگیزه‌های نویسنده در متن توجه شود و به این پرسشها پاسخ داده شود که متن از چه نوع ژانری است؟ آیا سبک این ژانر بصورت زنانه یا مردانه محسوب میشود؟ جملات، کوتاه یا بلند است؟ آیا متن حاوی اطلاعاتی است که میتواند بصورت کلیشه‌ای زنانه یا مردانه کدگذاری شود؟ مشخص کنید

دقیقاً این اطلاعات چیست (فنی، عاطفی، نگرانی از حوزه‌های خاص فعالیت: کار، خانه، جنسیت و آیت‌های واژگان فردی)؟ چه نوع شخصیت‌های زنانه یا مردانه نشان داده میشود؟ چه نوع روابط بین آنها نشان داده شده است؟ آیا این موارد مربوط به جنس، نژاد، طبقه یا گرایش جنسی است؟ متن متمرکز بر چه کسی است؟ در متن از چه واژگانی استفاده شده است و این واژگان چه مفهومی از هویت زنانه را بازتاب میدهد؟ صدای زنانه در متن چگونه بازتاب داده شده است؟ آیا عبارتها و جمله‌های بکاررفته در متن متأثر از جنسیت نویسنده است؟ چه کسانی در متن دارای کنش هستند؟ آیا از زنان بیشتر استفاده شده است یا از مردان؟ راوی چه کسی است؟ متن بر چه کسی تأکید میکند؟ چه افعال، عناصر یا اجزائی با زنان ارتباط دارد؟ زاویه دید چگونه است؟ و ... میلز معتقد است با کار کردن از طریق این پرسشها بصورت سیستماتیک، میتوان راههای متفاوتی که جنبه‌ها را رمزگذاری میکنند، و روشهایی که نمایه‌های جنسیت ممکن است بخشی از منطق متن باشد، ردیابی کرد. این ممکن است به ما کمک کند راههایی را که به جنسیت در جامعه ما میپردازد، بررسی کنیم. رویکرد این چک‌لیست، ارائه یک شاخص کلی نیست، بلکه به این معنا است که خوانندگان را قادر میسازد از طریق طیف وسیعی از عوامل که ممکن است به برخی از فرضیه‌های ضمنی و یا پنهان در مورد جنسیت اشاره کند و بوضوح قابل مشاهده باشد، دست یابند. تمرکز بر زبان در سطح واژگان و جملات و یا در سطح گفتمان میتواند ما را قادر به ردیابی برخی از این مفروضات پنهان کند (میلز، ۲۰۰۵: ۱۵۸-۱۶۱). بنابراین با مطرح کردن چنین پرسشهایی، یک روش و الگوی منظم و منسجم برای تحلیل و بررسی سبکی آثار زنان برای پژوهشگران ارائه میشود و به آنها این امکان را میدهد که فارغ از سبک سنتی، به بررسی متون بپردازند.

فمینیسم و ظهور آن

واژه فمینیسم^۱ «در فرهنگ واژگان زبان فرانسه (Femme) به معنای موجود انسانی با جنسیت مؤنث یعنی زن است. ریشه این کلمه، لاتین بوده و (Femmena) خوانده میشود. ... کلمات دیگر از خانواده این کلمه که از زبان لاتین وارد زبان فرانسه شده‌اند، عبارتند از (Femelle) با ریشه لاتینی (Feminius) به معنی خصوصیات زنانه. کلمات دیگری نیز بعد از این کلمه در زبان فرانسه ساخته شد. فمینیسم (Feminism) یکی از این کلمات است که در سال ۱۸۷۳ به واژگان زبان فرانسه پیوسته است و بیانگر مکتبی است که در جهت بازپس‌گیری حقوق آزادی و نقش اجتماعی برای زنان فعالیت میکند» (تلخابی، ۱۳۸۴: ۴۴). در این راستا در کتاب «فمینیسم قدم اول» نوشته شده است: «زنان خواستار حقوق حقه خود بمنزله موجود انسانی هستند. فمینیسم به معنی مورد تردید قرار دادن تقسیم کار در جهان است که مرد را مسئول حوزه عمومی - یعنی کار، ورزش، جنگ، دولت - قرار داده، درحالیکه زنان با جان‌کندن و بیگاری در خانه تمامی فشار و بار زندگی را به دوش میکشند» (واتکینز، ۱۳۸۰: ۵). اندیشمندان بسیاری بر این نکته تأکید دارند که ارائه تعریفی جامع و مانع از فمینیسم، دشوار است. این بلا تکلیفی تا حدی ناشی از این است که فمینیسم در متن سنت مکتبهای فکری موجود چون لیبرالیسم، سوسیالیسم، یا مارکسیسم شکل گرفته است (ر.ک: اکشلال و دیگران، ۱۳۷۵: ۳۶۹). پس میتوان گفت اساس همه آنها موقعیت فرودست زنان در جامعه و تبعیضی است که زنان بدلیل جنس خود با آن روبرو میشوند و اینکه انواع فمینیسم بمنظور کاهش این تبعیض و در نهایت غلبه بر آن، خواهان تغییراتی در نظم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و

^۱ Feminism

فرهنگیند (ر.ک: فریدمن، ۱۳۸۱: ۵). مانوئل کاستلز^۱ جامعه‌شناس اسپانیایی، نیز معتقد است وجه مشترک و بنیادی نهضت‌های فمینیستی تلاشی تاریخی، فردی، جمعی، رسمی و غیررسمی برای تعریف مجدد زن بودن در تقابل مستقیم با پدرسالاری، ایجاد و تقویت آگاهانه و فعالانه هویت‌های جدید از طریق گردهمایی، عمل و گفتگوی خلاقانه و وادار کردن زنان به بازاندیشی و معنا دادن به زندگی روزانه است (ر.ک: کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۱۸)؛ بنابراین «از فمینیسم نیز همچون هر جنبش اجتماعی و فکری انتظار می‌رود موقعیت فرودست گروه پایه خود - یعنی زنان - را تبیین کند و علل و عوامل مؤثر در این وضعیت را توضیح دهد» (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۶).

نظریه و گونه‌های فمینیستی

جاناتان کالر در کتاب *نظریه ادبی مینویسد*: «نظریه در مطالعات ادبی مجموعه‌ای است از تفکر و نوشته که تعیین محدوده‌اش بغایت دشوار است» (کالر، ۱۳۸۹: ۹). امروزه نظریه فمینیسم، مجموعه‌ای از نحله‌های فکری، احزاب سیاسی و انواع گرایش‌های ذهنی و رفتاری زنان است که در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و علوم گوناگون دیگر راه یافته که به اعتقاد جورج ریتزر^۲ جامعه‌شناس آمریکایی، نظریه فمینیستی یک رشته پژوهش درباره زنان است که بطور مخفی یا رسمی، نظام فکری گسترده و عامی را درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم‌انداز یک زن ارائه می‌دهد و با تحقیق فراوان، موقعیت و تجربه‌های زنان را در جامعه بررسی میکند (ر.ک: ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۴۰). در این راستا رزمی تانگ^۳، فیلسوف فمینیست آمریکایی، مینویسد: «نظریه فمینیستی کلیتی واحد نیست و نظریات یا دیدگاه‌های بسیاری را دربر می‌گیرد که هر یک میکوشند توصیفی از ستم بر زنان ارائه دهند و با تبیین علل و پیامدهای آن، راهبردهایی برای رهایی زنان از قید آن تجویز کنند» (تانگ، ۱۳۹۱: ۱۵). همچنین طبق نظر تانگ «فمینیسم همانند اغلب نگره‌های فلسفی دیگری که دامنه گسترده دارند، گونه‌های متنوعی را در دل خود جای می‌دهد. هیچ فهرست کوتاهی نمیتواند جامع باشد، اما بسیاری از اندیشمندان فمینیست (مسلماً نه همگی) میتوانند بنیان نگرش خود را یکی از نحله‌های لیبرال، مارکسیست، روان‌کاوانه، سوسیالیست، اگزیستانسیالیست یا پسامدرن منتسب کنند» (همان: ۱۶) که هرکدام از این گروه‌ها نظریات گوناگونی ارائه داده‌اند و بر موضوعاتی تأکید دارند.

رمان *اهل غرق* و نگاهی گذرا بر آن

رمان «اهل غرق» یکی از آثار شاخص «منیرو روانی‌پور»^۴ است که نخستین بار سال ۱۳۶۸ توسط نشر «خانه آفتاب» در ۳۹۷ صفحه انتشار یافت و مجدداً سال ۱۳۸۳ توسط نشر «قصه» در ۳۰۷ صفحه تجدید چاپ شد که

^۱. Manuel Castells (1942)

^۲. George Ritzer (1940)

^۳. Rosemarie Tong (1947)

^۴. منیرو روانی‌پور، از جمله نویسندگان زن ادبیات معاصر ایران است که در دوم مرداد ۱۳۳۳ در کوی جفره ماهینی بندر بوشهر زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر گذراند و در دانشگاه شیراز روانشناسی خواند. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در رشته علوم تربیتی از دانشگاه ایندیانا کارشناسی ارشد گرفت. او از سال ۱۳۶۰ داستان‌نویسی را شروع کرده است و از دسامبر ۲۰۰۶ با خانواده‌اش در آمریکا زندگی میکند. آثار او عبارتند از: *رمانها: اهل غرق* (۱۳۶۸)؛ *دل فولاد*

دارای سی‌وچهار فصل است. در این رمان که به سبک «رئالیسم جادویی» و با زاویه دید سوم شخص (دانای کل) نوشته شده است، نویسنده با بهره‌گیری از زبان بومی بوشهر، از مناطق جنوب کشور ایران، داستانی رئال همراه با عناصر جادویی را روایت میکند. قصه مردمی که در گذشته‌های دور با عقاید بومی و آئینهایی همراه با خرافات در آبادی «جفره» از جنوب ایران زندگی میکردند که با آمدن افرادی بیگانه یا عبارتی خارجیها و کشف چاههای نفت در آبادیشان و ورود به عصر تکنولوژی، مجبور به ترک زادگاهشان و تسلیم مقابل بیگانگان و دولت‌مردان میشوند. نویسنده در طول داستان، اطلاعاتی از دوران پهلوی دوم تا زمان جنگ ایران و عراق بطور ضمنی، کنایی و گذرا به فراخور زمان و موقعیت به خواننده میدهد و از «محمدرضا پهلوی» و «اشرف پهلوی» نیز نام میبرد. بنابراین زمان وقوع داستان، دوران پهلوی دوم و مکان وقوع آن، آبادی جُفره و اطراف آن در استان بوشهر است. اتفاقات مهم تاریخی آن زمان، کشف چاههای نفت در بوشهر و جنوب ایران، جاده‌سازی، و ورود صنعت و تکنولوژی مانند برق و تلویزیون به آبادی جفره است. شخصیت اصلی مرد یا قهرمان این رمان، مردی است به نام «مه‌جمال» که از مادری «آبی» یا عبارتی «پری دریایی» و پدری زمینی، زاده شده که به اصطلاح نویسنده «آبی-زمینی» است و هیچکس در آبادی جفره، پدر و مادر او را ندیده است. روزی مردم آبادی، او را در ساحل دریا یافته‌اند و کم‌کم در کنار این مردم رشد کرده است. شخصیت زن اصلی آن نیز «خیجو» همسر «مه‌جمال» و دختر «زائر احمد حکیم» است که او هم از دیگر شخصیت‌های اصلی داستان است. قصه از زمانی آغاز میشود که مردان آبادی میخواهند مه‌جمال را، که جوانی بیست‌ساله است، به یک پری دریایی با نام «بوسلمه»، که نماد پلیدی، زشتی و تاریکی است، بدهند تا با او ازدواج کند و در عوض بوسلمه به آنها مروریدی هدیه بدهد تا برای همیشه خوشبخت شوند. بنابراین چند تن از مردان آبادی، مه‌جمال را به دریا میبرند، ولی بدلیل اتفاقاتی که رخ میدهد، مه‌جمال از این ازدواج منصرف میشود و مردان همراهش، برای نجات از دست بوسلمه متوسل به حيله‌ای میشوند و باز میگردند و این باعث میشود که بوسلمه، کینه‌ای از مردم آبادی داشته باشد و هر بار اتفاقاتی اسفبار و عجیب برای مردم آبادی رخ دهد. تا اینکه پای غریبه‌ها یا «مردان موبور» و شهریه‌ها از جمله «ابراهیم پلنگ» و دوستش «مجتبی»، دولتیه‌ها، پاسبانها، «سرهنگ صنوبری»، «علیحضرت»، «آذر» معلم آبادی، «دکتر عادل» و «دکتر نجفی» به آبادی باز میشود و صنعت و تکنولوژی از قبیل ماشین، تلویزیون یا همان «جعبه جادو»، رادیو، برق، راه‌سازی، چاه نفت و استخراج آن، به آبادی وارد میشود. پس از چندی در حادثه‌ای مه‌جمال، ناخواسته و بدون هیچ اطلاعی وارد بازی سیاسی گروهی، توسط ابراهیم پلنگ و مجتبی میشود که به زندان میفتد و پس از برائت از اتهامش آزاد میگردد. پس از آن مه‌جمال با خیجو ازدواج میکند که صاحب چهار فرزند میشوند و پس از گذشت سالیانی مردی به نام «نیرو»، قهرمان فراری، با اسبش «دلور» به آبادی می‌آید و توسط زایر احمد حکیم و مه‌جمال پناه داده میشود. پس از لو رفتن مخفیگاهش توسط نباتی (زن منصور و دختر زایر غلام) نیرو کشته شده، و مه‌جمال و زایر احمد دستگیر میشوند که در نهایت زایر آزاد میشود و مه‌جمال به زندان میرود. سرانجام مه‌جمال در هنگام رفتن به زندان تهران از دست مأموران فرار میکند و تبدیل به مبارزی میشود که در کوهها پنهان است و با گروهی سرباز مبارز با یایغان می‌جنگد. او در آخر بعلت خیانت نگهبان «قلعه پیر» لو میرود و کشته میشود، اما در اواخر داستان،

(۱۳۶۹)؛ کولی کنار آتش (۱۳۷۸)؛ شبهای شورانگیز (۱۳۹۶). داستانهای کوتاه و مجموعه داستان: گنجشک و آقای رئیس‌جمهور (۱۳۵۸)؛ کنیزو (۱۳۶۷)؛ سنگهای شیطان (۱۳۶۹)؛ سیریا، سیریا (۱۳۷۲)؛ زن فرودگاه فرانکفورت (۱۳۸۰)؛ نازلی (۱۳۸۱)؛ عاشقان عهد عتیق (۱۳۹۵)؛ کشتی شکستگان (۱۳۹۵)؛ یادداشتهای زن جیوه‌ای (۱۳۹۶)؛ سرخپوست تنها (۱۴۰۰).

نویسنده از او یاد میکند و میگوید: مه‌جمال تیر خورده و زنده است، چون او موجودی آبی-زمینی است و قهرمانان همیشه زنده‌اند. حتی اگر جسمشان نباشد، آنها با کارهای نیکی که کرده‌اند همواره نامشان جاویدان است، مانند تنگسیر و ... در بوشهر. سرانجام دولتیان و سربازان به آبادی جفره هجوم می‌آورند و خارجیهای زمینهای آبادی را تصاحب میکنند و مردم آبادی مجبور به ترک آنجا میشوند و خیجیو به همراه فرزنداناش به شهر میرود، اما خانه‌اش را نمی‌فروشد. پایان داستان، ترک آبادی توسط آنهاست.

زمان وقوع داستان: حوادث دوره پهلوی دوم

مکان وقوع داستان: آبادی جفره و اطراف آن در استان بوشهر ایران

حوادث مهم تاریخی: کشف چاههای نفت در بوشهر و جنوب ایران، جاده‌سازی، ورود صنعت و تکنولوژی مانند برق و تلویزیون به آبادی جفره.

معرفی خانواده شخصیت‌های اصلی داستان: مه‌جمال: (پدر خانواده، شخصیت اصلی)؛ خیجیو: (همسر مه‌جمال، شخصیت اصلی)؛ زایر احمد حکیم: (پدر خیجیو)؛ مدینه: (مادر خیجیو)؛ پدر مه‌جمال؛ مادر مه‌جمال؛ فرزندان مه‌جمال و خیجیو: بهادر (پسر بزرگ و فرزند نخست)؛ مریم (دختر بزرگ)؛ حمایل و شمایل (دختران دوقلو خانواده). افراد تأثیرگذار در رمان: زایر احمد حکیم، مه‌جمال، خیجیو.

سطح واژگان

در سطح واژگان، به بررسی و تحلیل تعابیر زنانه در زبان فارسی، واژه‌های متعلق به حوزه زنان، کاربرد رنگ‌واژه‌ها و تعدد شخصیت‌های زن در متن رمان «اهل غرق» پرداخته میشود و تعدادی از نمونه‌های یافت‌شده در آن، آورده میشود. نتایج حاصل از این سطح به شرح ذیل است:

تعابیر زنانه در فارسی (صفات و دشنام، نفرین، دعا، قسم، تکیه کلامها): پس از بررسی متن رمان و یافتن مؤلفه‌های زنانه در سطح واژگان، تعابیری که توسط زنان بترتیب بیشترین کاربرد را داشتند، عبارت بودند از: دشنام ۱۷ مورد، تکیه کلام ۷ مورد، نفرین ۵ مورد و قسم ۱ مورد. لازم به ذکر است دشنامهای مردان و زنان نیز متفاوت بود؛ دشنامهایی که از طرف شخصیت‌های زن بیان شده، عبارتند از: «دریای آدمخوار؛ به تو چه؛ مگه مفتشی؟؛ کسی محل سگ بهت نمیداره؛ نامرد.» بنابراین تعابیر مذکور در این رمان کاربرد زیادی نداشتند.

«به تو چه؟ مگه مفتشی؟» (ص ۲۱) دشنام

«حالا، تو کی هستی که آبیها دنبالت راه بیفتن، رو زمینم کسی محل سگ بهت نمیداره.» (ص ۲۲) دشنام

«ارواح کله‌ت.» (ص ۲۲) دشنام

«چه کنیم، خدایا چه کنیم، الهی قطع نسل بشن.» (ص ۳۹) نفرین

«و دیگر، بودن، ماندن و از وحشت بوسلمه لرزیدن پرایت پشیزی نمی‌ارزد.» (ص ۳۹) دشنام

«روزگارت سیاه زن، روزگارت سیاه!» (ص ۷۶) نفرین

«دی منصور تفی به صورتش انداخت: «نامرد! با دخت مردم، تو کوچه؟» (ص ۱۵۰) دشنام

«عقلشون رو از دست دادن. یا قمر بنی‌هاشم! (ص ۱۷۳) تکیه کلام

«بابا ای والله. گفتم ولایت اجنه‌هاس.» (ص ۱۸۰) تکیه کلام

«به پاگون اعلیحضرت نابودت میکنم. میفهمی چه می‌م، به پاگون اعلیحضرت ...» (ص ۲۱۱) قسم

«تیمسار مزدور بکش، خونم حرومت ...» (ص ۳۲۲) دشنام

«خفه خون میگیری ... خوب؟!» (ص ۳۵۲) دشنام

واژه‌های متعلق به حوزه زنان (دل‌مشغولی زنان در حوزه آشپزی و ...): در این سطح از متن، واژه‌هایی که متعلق به حوزه زنان بوده و دل‌مشغولی و دغدغه‌شان را نشان میداد، کارها و مسائلی بود که بیشتر به آنها میپرداختند و توجه میکردند و در زمینه خانه‌داری، آشپزی، نان پختن، آب آوردن از چاه، مهمانداری، شب زفاف، دوران حاملگی، زایمان، بچه‌داری، پرستاری از بیمار، انجام مراسمهای جشن عقد و عروسی، سوگواری و آداب‌ورسوم محلی، کِل زدن، ترانه خواندن و رقصیدن در حین انجام این مراسم، وسایل موسیقی، وسایل خانه، طلسم و استفاده از وسایل و خوراکیهایی برای ازبین بردن طلسم و جادو بودند. همچنین کاربرد واژگانی مربوط به نوع پوشش زنان و لباسهایشان، نوع آرایش و وسایل آرایشی، زیورآلات دریایی و تزئینات محل زندگی همه نشئت گرفته از زمان، مکان و آداب و رسوم محل وقوع داستان، که یک آبادی نزدیک دریای جنوب ایران و مردمی بومی با زندگی ابتدایی و عقایدی همراه با خرافات و اوهام بود؛ بنابراین کاربرد این واژه‌ها و پرداختن به آنها توسط زنان در رمان مذکور، چشمگیر و پربسامد بود.

«فانوس را برداشت و توی پنجره گذاشت. راسه خالی بود؛ خالی و خلوت. بوبونی چرخید. رو به دریا نگاه کرد و ماند! خودش بود: آبی دریایی. توی دریا دایره زنگی به دست، جینگ‌وجینگ صدا میکرد و میرقصید.» (ص ۹)

وسایل خانه و موسیقی

«بوبونی طلسمهایش را درآورد و مثل همه زندهای جُفره به پنجره آویزان کرد، مِشتی نمک روی آتش منقل ریخت و آبها غیب شدند.» (ص ۱۰) وسایل خانه، طلسم

«زنها زیباترین شلیته‌های خود را به تن داشتند، چشمان همه برق میزد.» (ص ۱۰) لباس زنانه محلی

صدای خوش قُل قُل قلیانها بلند بود. استکانهای کمرباریک چای، پر و خالی میشد. زنها توی سرا و روی پله‌های آبانبار، منتظر بودند. هیچ صدایی نمی‌آمد جز صدای قلیانها.» (ص ۱۲) وسایل خانه

بوبونی با موهای روغن‌زده و پره‌های گلابتونی شلیته‌اش نشسته بود و شیر بزی را میدوشید. آرد زیر دستهای ورزیده دی منصور خمیر میشد. خمیرها درمی‌آمد.» (ص ۱۸) لباس، آرایش، آشپزی، خانه‌داری

«ناگهان صدای خلخال دخترکان آبادی در گوشت میپچید.» (ص ۲۷) زیورآلات

«از میان مرجانها و ستاره‌های دریایی میگذشتند.» (ص ۲۷) زیورآلات دریایی

«خیجو بلند شد، از در کوچکی که با پرده‌ای رنگ‌ورورفته اتاق پنج‌دری را به اتاق کوچک وصل میکرد گذشت. وارد اتاق شد. بوی نم، نفس کشیدن را مشکل میکرد. صندوق سیاهرنگ را باز کرد، علمهای سیاه موسم عزاداری را بیرون آورد و به اتاق پنج‌دری رفت. زنها با دیدن علمها شیون کردند. خیجو علم بزرگتر را وسط گذاشت. زنها دورش خواندند و رقصیدند.» (ص ۴۰) وسایل خانه، مراسم

«مدینه با ماهی شوریده‌ای او را میهمان کرد.» (ص ۹۱) مهمانداری

«زنها سفیدابها را از صندوقهای خود بیرون آوردند.» (ص ۱۱۵) وسایل آرایشی

«و مدینه که از درد پا مینالید، همانجا حجله بست و زنها که خسته بودند و سردرد عذابشان میداد کِل مختصری زدند و شب، مه‌جمال و خیجو را دست به دست دادند و بی‌آنکه در انتظار دستمال عروسی پشت در بمانند، سر شب به خانه‌های خود رفتند و خوابیدند.» (ص ۱۱۶) مراسم عروسی

کاربرد رنگ‌واژه‌ها: در این رمان، کاربرد رنگ‌واژه‌ها قابل توجه و پربسامد است؛ بطوریکه نویسنده در متن از ۲۲ طیف رنگ، نام میبرد که این طیف رنگ‌ها، ۵۴۴ مرتبه تکرار شده و رنگ آبی با ۱۲۰ مرتبه تکرار، بیشترین بسامد

را داشتند. نکتهٔ جالب‌توجه در متن رمان، کاربرد دو رنگ آبی و سرخ بود که نویسنده از آنها برای اسم و صفات پریان دریایی (آبی دریایی، سرخها) نیز استفاده کرده بود و کار را برای تشخیص رنگها، مشکل و دوچندان میکرد که در بررسی متن، این صفات از رنگ‌واژه‌ها جدا و مشخص شدند. رنگ‌واژه‌هایی که در این رمان کاربرد داشتند بترتیب تکرار عبارتند از: آبی ۱۲۰ مرتبه؛ سیاه ۹۶ مرتبه؛ سبز ۸۲ مرتبه؛ خاکستری ۷۰ مرتبه؛ بور ۵۰ مرتبه؛ سفید ۴۵ مرتبه؛ سرخ ۴۰ مرتبه؛ زرد ۵ مرتبه؛ نقره‌ای ۵ مرتبه؛ لیمویی ۴ مرتبه؛ طلایی ۴ مرتبه؛ مهتابی ۴ مرتبه؛ خرمایی ۴ مرتبه؛ فندقی ۳ مرتبه؛ برنزه ۳ مرتبه؛ سرخو ۳ مرتبه؛ خاکی ۲ مرتبه؛ سیه ۲ مرتبه؛ قهوه‌ای ۱ مرتبه؛ ورشویی ۱ مرتبه؛ جوگندمی ۱ مرتبه؛ آبی تیره ۱ مرتبه؛ رنگ بلورین ۱ مرتبه؛ میشی ۱ مرتبه.

موهای آبی و بلندش روی موجهای ریز دریا افتاده بود. (ص ۹)

زایر عرقچینش را بالا زده بود، روی حصیر نرمهٔ سفیدی نشسته بود. (ص ۱۰)

میترسید او را نشانه کند و در سفر دریایی به عمق آبهای خاکستری ببرد. (ص ۱۲)

دل آیشان سرخ میشود. (ص ۱۲)

حتماً جایی میان مرجانها، در عمق آبهای سبز، آن آبی کوچک گریه میکند. (ص ۱۲)

چهره‌ای سیاه‌سوخته داشت و دو تا چشم آبی غریب. (ص ۱۴)

مدینه برای لحظه‌ای چشمان فندقی خسته‌اش را بست. (ص ۱۶)

ماه مثل مجمعی بزرگ و طلایی در آسمان نشسته بود. (ص ۲۴)

پس چه بود مه‌جمال با آن چشمان زلال آبی‌رنگ و پوست برشتهٔ قهوه‌ای. (ص ۹۳)

ماه و ستارگان آسمان زیر غباری زردرنگ، گمشده بود. (ص ۱۰۱)

دریا رنگ ورشویی داشت و مرغان دریایی در خواب بودند ... (ص ۱۲۳)

مردان موبور به سروکول بچه‌ها دست میزدند. (ص ۱۲۸)

زایر تا توان حکیم موخرمایی را ببیند مردان و زنان آبادی را به او نشان میداد. (ص ۱۳۵)

و از آن دوای سرخو که مردان موبور برای علاج زخم به او داده بودند. (ص ۱۵۴)

و مردی چهل و پنج‌ساله با سبیل جوگندمی و صورتی که خنده از آن دور نمیشد. (ص ۱۸۵)

روز پنجم، پیکابی خاکی‌رنگ وارد جُفره شد. (ص ۲۲۰)

مردی کلاه به سر با لباس آبی تیره، آنها را هل میداد. (ص ۲۲۵)

صورت مهتابی و بیضی‌شکلی داشت. (ص ۲۴۴)

اما آن پیرمرد بالابند و موقره‌ای با چشمان لیمویی مهربانش به آنان نگاه میکرد. (ص ۳۰۸)

رنگ بلورین و سبز سنگهای قلعه. (ص ۳۷۰)

و رنگ برنزه را به آنان نشان داد. (ص ۳۷۹)

و به جایش کنیزو زنی بالابند و ترکه با دو تا چشم میشی. (ص ۳۸۳)

تعدد شخصیت‌های زن

نویسنده در این رمان از ۲۵ شخصیت زن نام برده است که یکی از شخصیت‌های اصلی آن نیز زنی به نام خیجو است. شایان ذکر است اکثر شخصیت‌های افسانه‌ای، موجودات دریایی و حیوانات که در داستان وجود داشتند، مانند بوسلمه، پری‌دریاییها، و تارا آهوی شمایل از جنس مؤنث بودند.

شخصیتهای زن عبارتند از: بوبونی (زن ناخدا علی)، دی منصور (مادر منصور و پسران شش‌گانه اهل غرق)، مدینه (زن زایر احمد حکیم)، زنهای آبادی (توی سرا و روی پله‌های آب‌انبار)، نباتی (دختر زایر غلام، همسر منصور، مادر عبدو)، زنی کولی (مادر مه‌جمال)، خیجو (دختر زایر احمد حکیم، همسر مه‌جمال و مادر مریم، بهادر، حمایل و شمایل)، ستاره (عاشق مه‌جمال، مادر گلپر)، فانوس (فانوس خواهر زایر احمد)، گلپر (دختر ستاره و اسفندیار، همسر ابراهیم پلنگ)، مریم (فرزند دوم خیجو و مه‌جمال)، سه زن (همراه پیرمرد)، زن زائو، حمایل و شمایل (دختران دوقلوی خیجو و مه‌جمال)، والا حضرت (اشرف پهلوی)، پیرزنی (که به مه‌جمال کمک کرد) آذر (معلم مدرسه جفره)، خاتون (یکی از دختران آبادی)، تاجی (زن فاحشه‌ای که منصور را بیخانمان کرد)، زری (زن دوم ناخدا علی که بعد از مرگ بوبونی با او ازدواج کرد)، پیرو و پیکر (دو دختر آبادی)، کنیزو (زن فاحشه).

سطح جملات

در سطح جملات متن رمان «اهل غرق»، جملات ساده، حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع (نشانه‌های فرازبانی)، وجه عاطفی، جملات پرسشی بشکل حدیث نفس بررسی شد که نتایج حاصل از آن با ذکر نمونه‌هایی به شرح ذیل است:

جملات ساده (توصیفی، کوتاه، خبری، احساسی، جزئی‌نگری): در این سطح متن رمان، جملاتی که نویسنده به کار برده بود بترتیب بسامد تکرار عبارتند از: خبری، توصیفی، کوتاه، احساسی و جزئی‌نگری که جملات خبری بیشترین بسامد تکرار را داشتند.

اولین کسی که پری‌دریایی را دید، جرئت نکرد خودش را نشان بدهد. بوبونی پشت پنجره رو به راسه آبادی ایستاده بود. (ص ۹) خبری

آبیها فانوس دریایی به دست بسوی ساحل می‌آمدند. (ص ۱۰) توصیفی

دانه‌های درشت عرق بر پیشانی منصور نشسته بود. صدای خوش قُل قُل قلیانها بلند بود. استکانهای کمرباریک چای، پروخالی میشد. زنها توی سرا و روی پله‌های آب‌انبار منتظر بودند. هیچ صدایی نمی‌آمد جز صدای قلیانها. (ص ۱۲) خبری، جزئی‌نگری

«کاش منصورم نمیرفت.» «کاشکی هیچکس نمیرفت.» (ص ۲۰) کوتاه، احساسی

جهان سخت بود. (ص ۳۸۹) کوتاه، خبری

حال‌وهوای دریا غریب بود. (ص ۳۹۳) خبری

حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع (نشانه‌های فرازبانی): نویسنده در متن رمان از نشانه‌های فرازبانی سه نقطه (...) ۵۷۷ مرتبه و خط تیره (-) ۱۰ مرتبه استفاده کرده بود که کاربرد و بسامد تکرار نشانه سه نقطه (...) چشمگیر و قابل توجه بود.

«فردا، شب چهاردهس زایر ...». (ص ۱۱)

زایر احمد و منصور و ناخدا علی راه، و آن زن ... آن زن چه کسی بود. (ص ۲۸)

و میدانست عروسی آبی - بوسلمه بهم خورده. (ص ۳۷)

«زایر ... زایر ... زایر» (ص ۵۳)

و حالا صدای مه‌جمال که از نسل آبی - آدم بود، به آنان راه چاره را نشان میداد. (ص ۶۵)

لبخندی بر لبان زایر نشست ... بسا چیزها که آدمی به میراث میبرد ... و این فانوس، فانوس است که در میان زنان آبادی میخواند، کل میزند و میرقصد. جهان تکرار میشود ... در هیبتی دیگر ... شکل و شمایل دیگری ... (ص ۲۳۸)

وجه عاطفی (جمله‌های تعجبی، عاطفی و شبه‌جمله‌های عاطفی): در این سطح از متن، کاربرد جمله‌های تعجبی و عاطفی کمترین بسامد را داشت، بطوریکه فقط ۸ جمله یافت شد.

«حیف، چطور رضا داده با بوسلمه عروسی کنه؟» (ص ۱۱)

«بیچاره مه‌جمال، چه پیشونی‌نوشتی؟» (ص ۲۲)

افسوس! (ص ۲۶)

مه‌جمال چه بداقبال بود، و یا شاید پیشانی‌نوشت او همین است؟ (ص ۲۶)

و مردها جواب میدادند: «واویلا از این غم.» (ص ۵۲)

و فریاد میکشید: «رود بالابلندم رود.» (ص ۵۳)

پیرزنی به سینه‌اش زد: «مادرت بمیره ...» (ص ۳۰۹)

جملات پرسشی بشکل حدیث نفس: نویسنده در متن رمان، ۱۹۴ جمله پرسشی بشکل حدیث نفس به کار برده بود که این پرسشها از طرف شخصیتها با صدای راوی که دانای کل بود، مطرح میشد.

اما اگر تن به رفتن نمیداد؟ اگر بایدها را نادیده میگرفت؟ اگر سر به نافرمانی برمیداشت؟ (ص ۱۵)

و حالا چه کسی جلودار زنها بود؟ (ص ۵۹)

پس مدینه دی زنگرو را از کجا میشناخت و زنان آبادی این مراسم را کجا دیده بودند؟ (ص ۱۷۴)

آیا هنوز کسی در روی زمین عاشق هست؟ (ص ۳۴۲)

اما حقیقت چه بود؟ (ص ۳۶۸)

سطح گفتمانی

نتایج حاصل از سطح گفتمانی رمان «اهل غرق» که به مهمترین عناصر داستان مانند پیرنگ، زاویه دید، شخصیت، روایت و راوی، لحن، درونمایه، صحنه، زمان و مکان میپردازد، به این شرح است: در این رمان، تمامی عناصر پیرنگ در ساختار داستان نمود دارند. نویسنده، زاویه دید سوم شخص (دانای کل) را برای بیان داستانش انتخاب کرده است. رمان، متنی روایی است که شخص نویسنده داستان، بعنوان راوی، حوادث و رخدادهایی را که برای اهالی آبادی جفره، مه‌جمال و خیجو قهرمانان داستان، اتفاق افتاده است، روایت میکند. نویسنده در این رمان از حدود ۸۸ شخصیت نام برده که ۲۵ شخصیت زن و ۶۳ شخصیت مرد هستند و به سه دسته اصلی، فرعی، و سیاه‌لشکر طبقه‌بندی میشوند که شخصیت‌های اصلی آن مه‌جمال و خیجو هستند. همچنین نویسنده برای بیان داستان و دیالوگ‌های شخصیت‌هایش از لحن مؤدبانه با بهره‌گیری از لهجه بومی محل رخداد داستان استفاده کرده است. درونمایه این رمان در قالب مضمون‌هایی از قبیل سلطه حاکمان و استبداد، مبارزه با استبداد و ظلم، حقوق از دست‌رفته مردم ضعیف و فقیر، نابرابری حقوق زن و مرد، ازدواج دختران کمسن، مردسالاری و از سویی مقاومت زنان در برابر زور و ظلم، باور به اعتقادات و خرافات و طلسم و جادو است. رخدادها و حوادث داستان نیز در خانه زائر احمد حکیم و دیگر اهالی آبادی، دریا، ساحل دریا، قایق، کپر، مدرسه، کوه، دشت، جاده، پاسگاه، خیابانهای شهر، دادگاه و زندان در شهر اتفاق میفتد. نویسنده در انتخاب صحنه‌ها به شیوه زندگی و اندیشه‌های مردم آبادی و قهرمانان داستان اشاره دارد. زمان رخدادهای این رمان، به دوره معاصر در پهلوی دوم برمیگردد که تاریخ وقوع

آن هنگام تحولات ایران بسوی مدرنیته، ورود تکنولوژی، کشف چاههای نفت، راه‌سازی و سدسازی در جنوب ایران است. در پایان داستان نیز بطور ضمنی با فلش‌فوراردی که به سرانجام دختران خیجیو و مه‌جمال دارد، به جنگ ایران و عراق نیز اشاره داشته است. مکان وقوع داستان، آبادی جفره در جنوب ایران و شهری در اطراف آن است که نامش بیان نشده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش با توجه به مدل سارا میلز و نظرات صاحب‌نظران سبک‌شناسی فمینیستی به این شرح است: در سطح واژگان رمان *اهل غرق*، تعابیر زنانه فارسی (صفات و دشنام، نفرین، تکیه‌کلامها) کاربرد زیادی نداشتند. کاربرد واژه‌های متعلق به حوزه زنان از جمله دل‌مشغولی زنان در حوزه آشپزی، خانه‌داری، لباس... و پرداختن به آنها توسط زنان در رمان مذکور، چشمگیر و پربسامد بود. همچنین کاربرد رنگ‌واژه‌ها قابل توجه و پربسامد است که نشان از جزئی‌نگری زنان نسبت به مردان است. نویسنده در این رمان از ۲۵ شخصیت زن نام برده است که یکی از شخصیت‌های اصلی آن زنی به نام خیجیو است. شایان ذکر است اکثر شخصیت‌های افسانه‌ای، موجودات دریایی و حیوانات که در داستان وجود داشتند از جنس مؤنث بودند. در سطح جملات متن رمان، جملات نویسنده بترتیب بسامد عبارتند از: خبری، توصیفی، کوتاه، احساسی، و جزئی‌نگری که جملات خبری بیشترین بسامد را داشتند. همچنین در این سطح، نویسنده از نشانه‌های فرازبانی سه نقطه (...) و خط تیره (-) استفاده کرده بود که کاربرد و بسامد نشانه سه نقطه، بیشتر بود. کاربرد جمله‌های تعجبی و عاطفی کمترین بسامد را داشت. در این سطح، ۱۹۴ جمله پرسشی بشکل حدیث نفس یافت شد که این پرسشها از طرف شخصیتها با صدای راوی که دانای کل بود، مطرح میشد. در سطح گفتگویی نیز که به مهمترین عناصر داستان مانند پیرنگ، زاویه دید، شخصیت، روایت و راوی، لحن، درونمایه، صحنه، زمان و مکان رمان میپردازد. بنابراین تمامی عناصر پیرنگ در ساختار داستان نمود دارند. نویسنده، زاویه دید سوم شخص (دانای کل) بیرونی را برای بیان داستانش انتخاب کرده است. رمان، متنی روایی است که شخص نویسنده داستان، بعنوان راوی، حوادث و رخدادهایی را روایت میکند. او در این رمان از حدود ۸۸ شخصیت نام برده که به سه دسته اصلی، فرعی، و سیاه‌لشکر طبقه‌بندی میشوند که شخصیت‌های اصلی آن مه‌جمال و خیجیو هستند. همچنین برای بیان داستان و دیالوگهای شخصیت‌هایش از لحن مؤدبانه با بهره‌گیری از لهجه بومی محل رخداد داستان استفاده کرده است. درونمایه این رمان در قالب مضمونهایی از قبیل سلطه حاکمان و استبداد، مبارزه با استبداد و ظلم، حقوق از دست‌رفته مردم ضعیف و فقیر، نابرابری حقوق زن و مرد، ازدواج دختران کمسن، مردسالاری و از سویی مقاومت زنان در برابر زور و ظلم، باور به اعتقادات، خرافات، طلسم و جادو است که بازتاب اندیشه‌های فمینیستی نویسنده و خواسته‌های او و دیگر زنان از جهان آرمانیشان در متن داستان است. رخدادها و حوادث داستان نیز در آبادی جفره، ساحل، دریا، و شهر اطرافش اتفاق میفتد. نویسنده در انتخاب صحنه‌ها به شیوه زندگی و اندیشه‌های مردم آبادی و قهرمانهای داستان اشاره دارد. زمان رخدادهای این رمان، به دوره معاصر در پهلوی دوم برمیگردد که تاریخ وقوع آن در هنگام تحولات ایران بسوی مدرنیته، ورود تکنولوژی، کشف چاههای نفت، راه‌سازی و سدسازی در جنوب ایران است. در پایان داستان نیز بطور ضمنی به جنگ ایران و عراق نیز اشاره شده است. مکان وقوع داستان هم، آبادی جفره در جنوب ایران و شهری در اطراف آن، که نامش بیان نشده است. بنابراین رمان موردبحث این پژوهش از الگوی مطرح سارا میلز پیروی کرده است و اکثر مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در متن آن یافت شدند.

(جدول ۱) کاربرد و بسامد سطح واژگان رمان مطرح در پژوهش

سطح واژگان	کاربرد و بسامد
تعابیر زنانه در فارسی	کم بسامد
واژه‌های متعلق به حوزه زنان	پربسامد
کاربرد رنگ‌واژه‌ها	۲۲ طیف رنگ، ۵۴۴ مرتبه تکرار
تعدد شخصیت‌های زن	۲۵ شخصیت زن

(جدول ۲) کاربرد و بسامد سطح جملات رمان مطرح در پژوهش

سطح جملات	کاربرد و بسامد
جملات ساده	خبری، کوتاه، توصیفی، جزئی‌نگری، احساسی (پر کاربرد و پربسامد)
نشانه‌های فرازبانی	سه نقطه (...). ۵۷۷ مرتبه؛ خط تیره (-) ۱۰ مرتبه
وجه عاطفی	کم بسامد
حدیث نفس	۱۹۴ جمله

(جدول ۳) کاربرد و بسامد سطح گفتمانی رمان مطرح در پژوهش

سطح گفتمانی	کاربرد و بسامد
پیرنگ	کاملاً نمود دارد
زاویه دید	سوم شخص (دانای کل) بیرونی
شخصیت‌ها (تعداد، اصلی)	۲۵ زن؛ ۶۳ مرد اصلی: مه‌جمال، خيجو
روایت و راوی	متن روایی، راوی نویسنده
لحن	مؤدبانانه با بهره‌گیری از لهجه بومی محل اتفاق داستان
درونمایه	حقوق مردم، حقوق زنان، ازدواج دختران کمسن، مردسالاری، باور خرافات و طلسم
صحنه	خانه زائر احمد حکیم و دیگر اهالی آبادی، دریا، ساحل دریا، قایق، کپر، مدرسه، کوه، دشت، جاده، پاسگاه، خیابانهای شهر، دادگاه، زندان
زمان و مکان	دوره پهلوی دوم، آبادی جفره و اطرافش

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی استخراج شده است. آقای دکتر محمدعلی گذشتی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سعیده خجسته‌پور بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری

داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عبدالحسین فرزاد به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Ackleshal, Robert and others. (1996). *An Introduction to Political Ideologies: Feminism, etc.* translated by Mohammad Ghaed Sharafi. Tehran: Central Bahar, Mohammad Taqi. (1970). *Stylistics or the history of the evolution of Persian prose, vol. 1, 3rd ed.* Tehran: Amirkabir.
- Calor, Jonathan. (2010). *Literary theory.* Translated by Farzaneh Taheri. Third ed. Tehran: Markaz.
- Castells, Manuel. (2001). *Age of Information: Economy, Society and Culture, Power of Identity.* Translated by Hassan Chavoshian. Volume 2. Tehran: New design
- Friedman, Jane. (2002). *Feminism.* Translated by Firoozeh Mohajer. Tehran: Ashian
- Futuhi Rud Majani, Mahmoud. (2011). *Stylistics: Theories, approaches and methods.* Tehran: Sokhan.
- Gholamrezai, Mohammad. (2008). *Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamloo.* Third ed. Tehran: Jami
- Ibn Qutaybah, Abdullah Ibn Muslim. (1984). *Introduction to poetry and poets of Ibn Qutaybah in the religion of literary criticism.* Translated by Azartash Azarnoosh. Tehran: Amirkabir
- Mills, Sara. (2014). *Conversation.* Translated by the Institute of Continuous Line of Thought; Under the supervision of Narges Hassanli. Tehran: neshane
- Mills, Sara. (2005). *Feminist Stylistics.* second ed. published in the Taylor & Francis e-library.

- Mir Abedini, Hassan. (2008). One hundred years of Iranian fiction. Volume 4. Fifth Ed. Tehran: Cheshmeh.
- Mir Sadeghi, Meymant. (2006). Contemporary Persian novels. Volume 4. Tehran: Niloufar.
- Mushirzadeh, Homeira. (2006). From movement to social theory, the history of two centuries of feminism. Third ed. Tehran: Shirazeh.
- Qasemi, Zia. (2014). Literary style from a linguistic point of view. Tehran: Amirkabir.
- Ravanipour, Moniro. (1989). Ahl Gharq. Tehran: Aftab House.
- Ritzer, George. (2001). Sociological theory in contemporary times. Translated by Mohsen Thalasi. Fifth Ed. Tehran: Elmi.
- Shamisa, Sirus. (1994). Generalities of Stylistics. 2nd ed. Tehran: Ferdows.
- Shamisa, Sirus. (2012). Literary schools. 2nd ed. Tehran: Qatre.
- Talkhabi, Mehri. (2005). Shahnameh and Feminism. 2nd ed. Tehran: Tarfand.
- Tang, Rosemary. (2012). Critique: A Comprehensive Introduction to Feminist Theories. Translated by Manijeh Najm Iraqi. 2nd ed. Tehran: Ney.
- Taslimi, Ali. (2009). Propositions in Contemporary Iranian Literature (Fiction). 2nd ed. Tehran: Ameh Book.
- Vordanck, Peter. (2010). Fundamentals of Stylistics. Translated by Mohammad Ghaffari. Tehran: Ney.
- Watkins, Susan Alice. (2001). Feminism is the first step. Translated by Ziba Jalali Naini. Tehran: Shirazeh.

فهرست منابع فارسی

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۳۶۳). مقدمه الشعر و الشعراى ابن قتیبه، ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: امیرکبیر.
- اکشلال، رابرت، و دیگران. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر ایدئولوژیهای سیاسی: فمینیسم و...، ترجمه محمد قاندشرفی. تهران: نشر مرکز.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۴۹). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج اول، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- تانگ، رزمی. (۱۳۹۱). نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیژه نجم عراقی. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (داستان). چاپ دوم. تهران: کتاب آمه.
- تلخابی، مهری. (۱۳۸۴). شاهنامه و فمینیسم. چاپ دوم. تهران: ترفند.
- روانی‌پور، منیرو. (۱۳۶۸). اهل غرق. تهران: خانه آفتاب.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ پنجم. تهران: علمی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. چاپ دوم. تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۱). مکتبهای ادبی. چاپ دوم. تهران: قطره.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. چاپ سوم. تهران: جامی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن.
- فریدمن، جین. (۱۳۸۱). فمینیسم. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آشیان.

قاسمی، ضیا. (۱۳۹۳). سبک ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی. تهران: امیرکبیر.
کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت. ترجمه حسن چاوشیان. جلد ۲. تهران: طرح نو.
کالر، جاناتان. (۱۳۸۹). نظریه ادبی. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم. چاپ سوم. تهران: شیرازه.
میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). رمانهای معاصر فارسی. جلد چهارم. تهران: نیلوفر.
میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۷). صد سال داستان‌نویسی ایران. ج چهارم. چاپ پنجم. تهران: چشمه.
میلز، سارا. (۱۳۹۳). گفتمان. ترجمه مؤسسه خط ممتد اندیشه؛ زیر نظر نرگس حسنی. تهران: نشانه.
وانکیتز، سوزان آلیس. (۱۳۸۰). فمینیسم قدم اول. ترجمه زیبا جلالی نائینی. تهران: شیرازه.
وردانک، پیتر. (۱۳۸۹). مبانی سبک‌شناسی. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.

Mills. Sara (2005). *Feminist Stylistics*. second ed. published in the Taylor & Francis e-library.

معرفی نویسندگان

سعیده خجسته‌پور: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: Sae.khojastepour.lit@iauctb.ac.ir)

محمدعلی گذشتی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: magozashti@yahoo.com: نویسنده مسئول)

عبدالحسین فرزاد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(Email: a.farzad@ihcs.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Saeedeh Khojastepour: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Sae.khojastepour.lit@iauctb.ac.ir)

Mohammad Ali Gozashti: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: magozashti@yahoo.com : Responsible author)

Abdolhossein Farzad: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: a.farzad@ihcs.ac.ir)